

ترجمہ و شرح مختصر دعای صباح
مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع)



پدید آورنده:
محمد علی لسانی فشارکی

سرشناسه: لسانی، محمدعلی، ۱۳۳۲ -

Lessani Fesharaki, Muhammad Ali

عنوان قرارداد: دعای صبح. فارسی - عربی. شرح

Prayer of Sabah. Persian - Arabic. Commantries

عنوان و نام پدیدآور: کلید رستگاری: ترجمه و شرح مختصر دعای صبح حضرت مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع) / پدیدآورنده محمدعلی لسانی فشارکی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات ۱۱۴ [صد و چهارده]، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۱-۸۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: چاپ قبلی: فارابی، ۱۳.

عنوان دیگر: ترجمه و شرح مختصر دعای صبح حضرت مولای

متقیان علی بن ابی طالب (ع).

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

-- دعاها

موضوع: Prayers -- ۶۶۱-۶۰۰, Ali ibn Abi-talib, Imam I

موضوع: دعای صبح -- نقد و تفسیر

Prayer of Sabah -- Criticism and interpretation

موضوع: دعاها

موضوع: Prayers

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۰۴۲۲/BP۲۶۹ ۱۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۴۵۴۰۱



کلید رستگاری

(ترجمه و شرح مختصر دعای صبح مولای متقیان علی بن ابیطالب (ع))

پدیدآورنده: محمدعلی لسانی فشارکی

ناشر: صدوچهارده

با همکاری فنی: مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن

طراحی و صفحه آرایی: محمدصادق حامدی، منصوره شرکت توسلی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهای هر نسخه:

نوبت چاپ و تاریخ: چاپ دوم، ۱۴۰۱

تعداد صفحه و قطع: ۶۴ ص، پالتویی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۱۸-۷-۶

<https://quranlsn.ir>

تقدیم به:

مادر عزیزم

که با اخلاص فراوان و کوشش‌های
پیگیر، از همان اوان طفولیت، مرا با
علاقه خاص مذهبی پرورش داد و هنوز
دوران رفتن من به دبستان فرا نرسیده
بود که قرآن کریم و دعاهای مشهور
و متون پرأرج مذهبی را به من تعلیم
نموده، و مرا از رموز و معارف دین
مبین اسلام و آئین شیعه جعفری، آنطور
که باید و شاید، آگاه ساخته بود.

مقدمه

همه می‌دانند که هدف از تمام کوشش‌ها و فعالیت‌های شبانه‌روزی افراد بشر خوشبختی است، ولی این موضوع که آیا چه کسانی در نتیجه فعالیت و کوشش به این خوشبختی ایده‌آلشان می‌رسند؟ و آیا تمام افرادی که روز و شب در راه‌های گوناگون می‌کوشند واقعاً خوشبخت هستند؟ یا اینکه مسلماً در مسیر خوشبختی گام برمی‌دارند؟ قرآن کریم راز خوشبختی و کلید رستگاری را ایمان و عمل صالح همراه با نیایش و دعا می‌داند و از نظر منطق آسمانی قرآن، انسان با ایمان و نیکوکاری که در تمام حالات به خدا توجه دارد و با او همراه است خوشبخت واقعی است.

این چنین کسانی نابودی ندارند، زندگی خوشی دارند، روزگاران گذران را براحتی و آسایش می‌گذرانند و هنگامی که پیک اجل بسراغشان می‌آید، تازه مرگ، رهگذر این افراد

با ایمان بسوی خوشبختی‌های دامن‌دارتر و کامیابی‌های بسیارتر است.

به هنگام بامدادان خود را با نیایش به درگاه ایزد مٔان برای کارهای روزانه آماده ساختن و در هنگامهٔ کوشش‌های روزانه با خدای یکتا راز و نیاز داشتن، و شب هنگام نیز با یادِ خداوند بخواب رفتن، بی‌شک سبب خوشبختی همهٔ جانبهٔ انسان می‌گردد.

مهمترین فلسفهٔ بارز دعاهایی که برای صبح و شام و شب‌ها و روزهای هفته و ماه و سال از جانب امامان و پیشوایان دین توصیه شده است، همین است.

دعایی که در این کتاب ترجمه و شرح مختصرش را با سبک روان فارسی می‌خوانید بنا بر روایات معتبری که بما رسیده است حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به هنگام صبحگاهان می‌خوانده‌اند و اکنون بعنوان یک برنامهٔ زندگی در دست ماست.

این دعا را از "مصباح" سیدبن باقی (ره) و "بحارالانوار" علامهٔ مجلسی (ره) نقل کرده‌اند.

این دعا از دعاهای مشهور و مجرب است که مرحوم مولا محسن فیض صاحب کتاب «ضریعة الضراعة» و علامهٔ مجلسی رحمه‌الله‌علیه در کتاب «بحارالانوار» آن را از دعاهای معتبر دانسته‌اند و نوشته‌اند:

اصل این دعا را که به خط کوفی و نوشتهٔ حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) بوده مرحوم سید ابراهیم قزوینی دیده و استنساخ کرده است و این همان دعایی است که

حضرت علی علیه السلام بعد از نماز صبح می خوانده اند. چه خوش است که انسان به پیروی از مولای متّقیان، امیرمؤمنان علی علیه السلام هر روز زندگیش را با خواندن و دقّت در چنین دعایی و با در نظر داشتن مفاهیم عالی یک چنین دعای شریفی آغاز نماید، و از نتایج شگفت دنیوی و اخرویش برخوردار گردد.

امید آنکه برادران و خواهران ارجمند دینی از هم اکنون که این کتاب را مطالعه می نمایند در برنامه زندگی خودشان بگنجانند که هر روز صبح دعای صباح را بخوانند و قدری در ترجمه و شرح عباراتش دقّت کنند و در نتیجه با روحیه ای شاداب، و روانی سرشار از توجّه به آفریدگار جهان، کار روزانه خود را شروع نمایند.

لازم به تذکّر نیست که کسانی که احیاناً از عهده خواندن عبارات عربی دعا بر نمی آیند می توانند از راه خواندن ترجمه فارسی دعا با حضور قلب و با توجّه کامل به معانی آن از مزایای معنوی این دعای شریف بهره برداری نمایند.

نکته دیگر اینکه در نگارش این ترجمه و شرح مختصر بر دعای شریف صباح به هیچ وجه استقصای معانی دعا یا تحقیق در لغات و عبارات و فصاحت و بلاغت آن یا بررسی مطالب عمیقی که در رشته های مختلف علوم و معارف انسانی مورد توجّه است و یکایک کلمات این دعا عنوان آن بحث ها می باشد نبوده است، تنها هدف از نگارش و نشر این جزوه مختصر جلب توجّه بیشتر قاطبه

علاقمندان به شعائر دینی و مذهبی به این دعای شریف و بخصوص تقدیم مفاهیم این دعای جلیل القدر به نسل جوان شیعه مذهب بعنوان یک برنامه مقدّس برای یک زندگی ایده آل بوده است. بنابراین، علاقمندان به تحقیق بیشتر در معانی عظیم و مفاهیم عمیق این دعای شریف را به کتاب‌های فراوانی که در شرح دعای صباح به این منظور نوشته شده است احاله می‌نمایم.

تهران- دانشکده الهیات و معارف اسلامی- دانشگاه
تهران- محمدعلی لسانی فشارکی



سر آغاز دعا

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

موسسه تحقیقاتی کانون پژوهش قرآنی

دعای صباح در کتاب‌های معتبر ادعیه و احادیث، همراه با «بسم الله الرحمن الرحيم» نقل شده است، برخلاف بسیاری از دعاها که این عبارت در آغاز آن ذکر نشده است.

نکته جالب توجهی که در «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز این دعا وجود دارد اشاره‌ای است باینکه انسان روزی را که می‌خواهد در نهایت آسایش و آرامش بگذراند، نتایج خوب کارها و کوشش‌هایش را در شامگاهان به بهترین صورت ببیند، آن روز را باید با نام خداوند بخشاینده مهربان آغاز کند، خدایی که تمام جهان آفرینش بدست قدرت اوست و تمام سبب‌ها و علّت‌ها بفرمان او می‌باشند و فرمانروای مطلق عوالم آفرینش و جهان هستی، تنها اوست و از اسماء اعظم و صفات ذات مقدّس او کمک بخواهد و یاری جوید.

پروژه ملی مهدی کاوانی پژوهش‌های قرآنی

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ
 بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ،
 وَ سَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ
 بِغِيَاهِبِ تَلْجُلِهِ،
 وَ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ
 تَبَرُّجِهِ،
 وَ شَعَّعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ.

ترجمه

خداوندا،

موسسه تحقیقاتی کانون ترجمه قرآن

ای خداوندی که زبانِ گویایِ بامدادان را با پرتو
 روشنائی تابناکش، از دهانِ شبِ تار بدرآوردی.
 و پاره‌های شبِ تار را با سیاهی‌ها و
 تاریکی‌هایش به کناری بپراکندی،
 و سازمان کیهان گردنده را با آن معیارهای زیبا
 و سنجش‌های منظمش استوار ساختی،
 و پرتو نورفشان خورشید را با روشناییِ شعله‌های
 درخشان و پر حرارتش بیامیختی.

نیایش

نخستین لحظات و ساعات روز، بهنگام سحرگاهان و بامدادان و صبحگاه هرروز، چه خوش است که انسان خود را در مسیر نسیم صبای روح افزای مناجات با پروردگار جهانیان قرار دهد و به پیروی از مولای متقیان بدرگاه خداوند با این عبارات زبان به راز و نیاز بگشاید:

اللهم، خدایا ...

چقدر جانپور و فرحبخش است، تا چه اندازه شادی زای و روحبخش است، چه مقام والایی است، چه کامیابی استثنائی و چه لذت بی‌منتهایی است، آری، چقدر با عظمت و شکوهمند است، انسان خاکی این مقام را یافته باشد که با زبان ناتوان بشری بگوید: خداوندا، ای

خدای من، ای خدای جهانیان

و بدنبال آن، خدا را با آثار قدرت کامله اش توصیف نماید و بستاید و از این راه محو جمال ذات و صفات پروردگار متعال گردد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در آغاز نیایش صبحگاهی خویش این عبارات را می‌فرماید:

«خداوندا، ای خداوندی که زبان سخنگوی صبح را با پرتو روشنایی درخشانش از دهان شب بدرآوردی.

و پاره‌های شب تار را با سیاهی‌ها و تاریکی‌هایش به کناری پراکنده گردانیدی.

و سازمان کیهان گردنده را با معیارهای زیبا و
سنگش‌های منظم محکم و استوار ساختی.
و پرتو نورافشان خورشید را با روشنایی شعله‌های
پر حرارتش درهم آمیختی.»

روشنایی صبح سخن می‌گوید

زمان، دائماً با انسان حرف می‌زند، پند می‌دهد، هشدار
و بیدارباش می‌زند فریادش بلند است که: ای انسان به دنیا
فریفته مشو و از سرای دیگر بی‌خبر منشین! ما روزهای
زندگی تو هستیم که یکی پس از دیگری بسرعت هرچه
بیشتر می‌گذریم، دیروز تو کودکی خردسال بودی، و امروز
جوان تنومند و نیرومندی هستی، فردا پیر خواهی شد و
فرتوت، و دیری نمی‌گذرد که از این جهان در می‌گذری و
جهان‌گذران را برای دیگران به جای می‌گذاری.

آری، روشنایی صبح با زنده‌دلان و هوشیاران سخن
می‌گوید: از بامداد امروز سرمشق بگیر و بدبختی‌ها و
نادرستی‌هایی را که در روزهای دیگر عمرت دامنگیر تو بوده
است همانند تاریکی‌های شب که اکنون برکنار می‌شوند
بکناری ریز، و از روشنایی صبحگاهان الهام گرفته بسوی
خوشبختی درخشان و پیشرفت‌های چشمگیر پیش برو.

به عبارت دیگر، شاید دقت کرده باشید که هنگامی که
روشنایی صبح، سر از افق برمی‌آورد گویابر جهان و جهانیان
می‌خندد، همین خنده هزاران معنا دارد و از هزاران سخن
فصیح و رسا گویاتر است! آری، روشنایی صبح به فریفتگی

جنون آمیز کسانی که غرق در آلودگی‌های دنیا هستند و با معنویات سروکاری ندارند، از عبادت خبری و از بندگی اثری ندارند، خنده می‌زند و آنان را به باد مسخره می‌گیرد. و در عین حال، همین خنده و تبسمش برای کسانی که از یکایک روزهای زندگی خود بهترین بهره‌برداری‌های مادی و معنوی را برای دنیا و آخرتشان دارند گویاترین شادباش و بشارت است.

تشبیه منظره صبح

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ضمن عبارات شیرین و دلنواز آغاز دعای صباح، منظره صبح و طلوع خورشید را چنین تشبیه فرموده است: چهره نورانی آفتاب صبح در حالی که با جهان و جهانیان در حال گفتگوست. خندان و شادان از پشت افق نیلگون آسمان سر بیرون آورده، و پاره‌های شب تار را همانند گیسوان سیاه‌فام چون مشک تتار به دور سر خود ریخته و لحظه به لحظه درخشندگی چهره تابانش زیاده‌تر می‌شود، تا گاهی که دیگر گیسوان سیاهش دیده نشود، و حتی دیگر نتوان از شدت درخشش و تابندگی به چهره‌اش نگاه کرد.

یک معجزه علمی

حضرت امیرمؤمنان (ع) در زمانی که بشر کوچکترین اطلاعات درستی از جهان بالای سرش نداشت، در این عبارت آغاز دعای صباح مدار خورشید و ستارگان و کرات آسمانی (فلک) را نیز مانند خود کرات آسمانی «دوار»

(گردنده) نامیده است و به حرکات و گردش‌های منظومه‌ها و کهکشان‌ها که تا چندی پیش دانش بشری از آن خبری نداشت اشاره فرموده است. گردش زمین، حرکت و سیر خورشید هم از مطالبی است که بشر قرن‌ها پس از ظهور اسلام و نزول قرآن به آن دست یافته ولی حرکت و سیر منظومه شمسی و حرکت کهکشان‌ها نیز که برای علم بشر کاملاً تازگی دارد یک‌هزار و چهارصد سال پیش در کلام امیرمؤمنان (ع) با صراحت کامل بیان شده است.

یک اعجاز علمی دیگر

حضرت علی (ع) در این دعا روشنایی خورشید را «ضیاء» نامیده است هم‌چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «هو الذي جعل الشمس ضياءً والقمر نورا» (قسمت اول آیه ۵ سورة یونس). سرمد علی‌نوری، کانون نشر و ترجمه قرآن

در زبان عربی نوری را که مستقیماً از منبع نور بتابد مانند نور چراغ «ضیاء» می‌گویند و به آن روشنایی که مثلاً از آئینه‌ای که در مقابل چراغی گرفته شود منعکس می‌گردد و تابش می‌کند (انعکاس نور)، «نور» می‌گویند. قرآن کریم و قرآن ناطق یعنی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز نور خورشید را «ضیاء» نامیده‌اند تا اشاره باین مطلب باشد که خورشید خود منبع نور است و سایر کرات منظومه شمسی مانند زمین و ماه از خود نور ندارند و اگر ماه تابشی دارد از آنجاست که همانند آئینه‌ای در برابر نور خورشید قرار گرفته و نور خورشید را در سطح صیقلی خویش منعکس

می‌سازد و بر زمین می‌تاباند.

باز هم یک اعجاز علمی دیگر

بالاتر از همه، در آخر این قسمت از دعا به این موضوع اشاره شده است که کره خورشید جرمی است سوزان که همه چیز در سطح آن به حالت ذوب است و شعله‌های نور خورشید بر خلاف پرتو سایر کرات آسمانی با التهاب و ناآرامی خاصی به اطراف پراکنده می‌شوند. این نکته هم تا چند سال اخیر که علم بشر توانست خبرهایی از سطح خورشید پیدا کند فهمیده نشده بود و دانش بشر به جهش خاص و التهاب ویژه پرتو گرم و درخشان خورشید توجهی نکرده بود.

این هم جز اعجاز علم امامت چیز دیگری نیست که حضرت علی علیه‌السلام، چهارده قرن پیش از دست یافتن بشر به این حقایق و ظرائف عالم آفرینش به یکایک آنها اشاره می‌فرماید.

يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ،
وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ،
وَجَلَّ عَنْ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ.

ترجمه

ای خداوندی که خودت خردهای مردمان را
بسوی ذات مقدس خویش رهنمون می‌گردی،
و از هم‌جنسی و هم‌رنگی با آفریدگانت برکنار و
پیراسته هستی،
و از هماهنگی با گوناگونی‌های جهان آفرینش
بسی برتر و بالاتری.

راه شناسایی خدا

در بخش سوم دعا، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از آنکه به آثار قدرت پروردگار موجودات عجیب جهان آفرینش مانند خورشید و ماه و تأثیرات آنها در زندگی انسان توجّه فرمود به بیان این حقیقت می‌پردازد که این خود خداوند است که به بشر قابلیت شناسایی خود را عنایت فرموده است و راه معرفت خودش را به بشر نشان داده است. و به درگاه خداوند عرضه می‌دارد:

«ای خداوندی که خودت خودت را می‌شناسانی، و از هم‌جنسی با آفریده‌های خود منزّه و مبرایی، و از همانندی با موجودات رنگارنگ و گوناگون جهان آفرینش پیراسته‌ای.»

حضرت علی (ع) با آوردن این تعبیرات اخیر می‌خواهند توجّه دهند به این نکته که انسانی که می‌خواهد روز خوشی را آغاز کند و بخوبی و شادکامی به پایان برساند، باید در آغاز روز و پس از آن نیز در تمام ساعات روز به ذات مقدّس و نیروی توانایی توجّه داشته باشد که از کمبودهای آفریدگان و افراد بشر و سایر مخلوقات وارسته و پیراسته، و سراسر، کمال و قدرت و دانش باشد؛ و او، همان خدای یکتای بی‌همتاست.

با گفتن این عبارات، همراه با اخلاص و توجّه باطن و حضور قلب، انسان می‌تواند از جهان مادّه و مادّیت و ظاهرنگری و کوتاه‌بینی، روح خود را پرواز دهد و بر اوج

معنویات و حقایق ماورای طبیعت دست پیدا کند، و در نتیجه با هرگونه شرائط و پیشامدی که در کشاکش روزگار برایش پیش می‌آید دست و پنجه نرم کند، و هم در دنیا خوشبخت و کامیاب باشد و هم در آخرت در نعیم جاودانی و حسن ثواب بسر برد.



مجلس شورای اسلامی ایران

يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ،
وَبَعُدَ عَنِ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ،
وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ.

ترجمه

ای خداوندی که در دسترس اندیشه و فکر
مردمان قرار داری،
ولی از چشم اندرز دیدگان بینندگان فراتری، و
از آنچه خواهد شد پیش از شدنش با خبری.

به دنبال توجّه به ذات مقدّس و اوصاف با عظمت خداوند متعال حضرت امیرالمؤمنین (ع) به این حقیقت اشاره می‌فرماید که خداوند با دیدگان بشری دیده نمی‌شود ولی با رهبری فکر و اندیشه و بررسی آثار قدرت و علم خداوند می‌توان به وجود و صفات ذات مقدّسش پی بُرد. بشر تنها از رهگذر آثار خداوند می‌تواند به وجود او پی ببرد و او را هرگز آشکارا نمی‌تواند ببیند. زیرا او جسم نیست و از آثار جسم بودن از جمله دیده شدن به چشم، منزه و مبرا است.

اما علی‌رغم آنکه انسان در برابر خداوند این چنین عاجز و اسیر و درمانده است خداوند نه تنها از آغاز و انجام زندگی یکایک افراد بشر آگاه است بلکه از هر واقعه‌ای که در جهان آفرینش رخ می‌دهد از افتادن یک برگ از درخت تا از بین رفتن و ویران شدن قسمتی از جهان بزرگ، پیش از آنکه به وقوع بپیوندد با خبر است و گذشته و آینده همه چیز در پیشگاه علم بی‌نهایت وی همواره نمودار و آشکار است.

در هنگام بامدادان هر روز، انسانی که آرزو دارد روز خوشی در پیش داشته باشد باید با خدایی که پیشامدهای نیامده را می‌داند و برحسب اراده و مشیت او همه کار جهان آفرینش انجام می‌گیرد راز و نیاز کند و از او کمک بخواهد و در تمام جهات زندگی در پرتو الطاف خداوندی او پیشرفت نماید.

چه یار و مددکاری از خدای مهربان بهتر، و چه یآوری

از خداوند خیر خواه‌تر، و از پروردگار کریم برتر و والاتر. کیست از او شایسته‌تر برای دستگیری و فریادرسی انسان؟ او که همهٔ پیشآمدها را پیش از آنکه پیش آید می‌داند و همه را خود به تدبیر خویش مقرر فرموده است. علمش بر گذشته و آیندهٔ انسان و جهان احاطه دارد و لحظه‌ای از حال کوچکترین آفریدگانش غفلت نمی‌فرماید.

او که بر همه کار تواناست و فراوانی خواهش‌ها و خواست‌های بندگان و راز و نیاز آفریدگان او را خسته و ناتوان نمی‌سازد. او که به هرکس آنچه سزاوارش بوده داد و از هیچیک از آفریدگانش موهبتی را که در خورش بوده دریغ نفرموده است.



مجلس شورای اسلامی ایران

يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ،
وَ أَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ
مِنْ مَنَنْهِ وَ إِحْسَانِهِ،
وَ كَفَّ أَكُفَّ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ.

ترجمه

ای خداوندی که شبانگاه، مرا در بستر آسایش
و نگرهبانیت بخواب ناز فرو بردی،
و صبحگاه، برای بهره‌برداری از فرآورده‌های
لطف و احسانت بیدار نمودی،
او پنجه‌های سهمگین ناملايمات را بادست
قدرت و سلطه خویش از من بازداشتی.

پس از آنکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) جملاتی دربارهٔ شناسایی خداوند و قدرت و آفریدگاری او بیان فرمود و راه دریافت و درک عظمت خداوندگاری را شناسانید، اکنون به شمارش نعمت‌ها و الطاف پروردگاری خداوند نسبت به بندگان می‌پردازد و در این سه عبارت دعا بطور موجز و جذّابی نکات دقیقی را که در زیر به آنها اشاره می‌شود بیان می‌فرماید:

انسان در آغاز صبح باید بیندیشد کدام قدرت بود که دیشب او را به خواب فرو برد و امروز وی را از خواب برخیزانید؟ در بستر امن و امان خویش او را استراحت داد و اکنون او را بیدار و آمادهٔ کار گردانیده است؟

و نیز به گذشتهٔ خویش بیندیشد که در روزها و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌های گذشته زندگی چه بسا خطرها و پیش‌آمدهای ناگوار که می‌توانسته است سر و سامان زندگی وی را بکلی تباه سازد ولی خداوند آن خطرات را از سر راه او برداشته و محفوظش داشته است.

و هم‌چنان که لطف خداوند را در گذشتهٔ زندگی خود مشاهده می‌کند، برای آیندهٔ زندگی خویش هم به امید لطف و کرم خداوند، و نسبت به روزهایی که در پیش دارد کاملاً خوشبین، و به موفقیت‌های همه‌جانبه، کاملاً امیدوار باشد.

گذشته و آینده

آری، اهمیت توجّه به گذشته و آینده در زندگی انسان به حدّی است که اگر خاطرات خوش دوران‌های گذشته زندگی و امید به خوشبختی‌ها و پیشرفت‌های آینده نباشد، زندگی برای انسان، بی‌مفهوم و تلخ می‌گردد.

بنابر منطق شیوای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام انسانی که می‌خواهد همیشه خوشبخت زیست کند باید از خاطرات گذشته زندگی پیوسته خوبی‌ها و خوشی‌ها را به یاد بیاورد و خداوند را بپاس آن همه لطف و مرحمت که با او داشته سپاسگزاری کند و دربارهٔ آینده نیز از ناامیدی و یأس پرهیزد و در سایهٔ لطف و عنایت پروردگار به هرگونه پیشرفت و خوشبختی و کامیابی در زندگی مادی و معنوی دنیا و آخرت امیدوار باشد.

بر ناراحتی‌ها و محرومیت‌های گذشته بیهوده غم نخورد و دربارهٔ محرومیت‌های خیالی آینده نیز خود را افسرده و اندوهناک نسازد.

صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ،
وَ الثَّماسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ
الْأَطْوَلِ،

وَ النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ،
وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِفِهَا فِي الزَّمَنِ
الْأَوَّلِ،

وَ عَلَى إِلَهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ.

ترجمه

خداوندا،

درود فرست بر آنکس که در آن غوغای تاریکی
شب تار جاهلیت، بشریت را بسوی تورهنمون گردید،
و از رشته‌ها و وسیله‌های تقرّب بدرگاه تو بلندترین
سرشته شرافت و عظمت را به دست گرفت،

و حسب و نسب شریفش درنهایت آراستگی و
پیراستگی بر فراز قلّه شهرت و عظمت دودمان اصیلش
می‌درخشید،

و در دوران نخستین ظهور اسلام در برابر مشکلات
گوناگون ثابت قدم و پا بر جای ماند،
و نیز درود فرست بر خاندان پاکش که نیکان
جهان و برگزیدگان تو می‌باشند.

شب و روز اجتماعی انسان

چنان که دیدیم، در آغاز این دعا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام طلوع صبح و شکافتن تاریکی های شب و نطق شیوا و تبسم زیبای بامدادان و سکوت، عاجزانه شب را با هم مقایسه فرمود و با عبارات دلپذیر و استعارات بسیار جالب، بیان خویش را آراست.

اکنون، در هنگام بامدادان که هرکس به شب تاری که از پیش این صبح روشن و درخشان گذشته است توجه دارد، و عظمت و اهمیت روشنایی صبح را که توانسته است صفوف درهم فشرده تاریکی ها را از هم بدرد و بر قلب لشکر ظلمت و سیاهی شب بتازد، و لشکریان شب را فوج فوج به فرار وادارد، و خود بر کرسی پادشاهی افق درخشان بنشیند، و بر بارگاهی از نور تکیه بزند، و جهان را روشن و نور باران گرداند، و از شر تاریکی و سکوت مرگبار شب برهاند، امیرالمؤمنین (ع) اذهان بشر را به شب تاریک جاهلیت و نادانی و بی خردی و سکوت مرگزای و گمراهی آشکارای انسان ها قبل از ظهور اسلام متوجه می سازد.

زمانی که تاریکی جهل و کابوس نابخردی و نادانی همه جای دنیا را فراگرفته بود. در هیچ نقطه جهان انسان ها روشنی دانش و بینش واقعی دیده نمی شد. چشم ها کور و گوش ها کر و همه از تلاش و کوشش برای پیشرفت هایی که در خور انسان است باز ایستاده بودند.

بشر در پنجه دژخیم خور و خواب و خشم و شهوت،

اسیر و درمانده گشته بود و به هیچ وجه راه فراری نداشت. نه مشعلی داشت که فرا راه خود گیرد و نه راهنمایی بود که وی را به سرمزل نجات و رهایی از آن همه بدبختی و ناملایمات رهبری نماید.

و در آن هنگام چون دوران تیرگی زندگی بشریت و شب تار جاهلیت به سحر رسید، خداوند بر انسان‌ها منت گذارد و خورشید نبوت و چهره نورانی پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) را از افق نیلگون حجاز طالع ساخت.

با طلوع این خورشید عالم افروز آسمانی، تاریکی‌ها کم کم به یک سوی رفتند، و رفته رفته روشنایی دانش و بینش آسمانی، جهان را زیر پرتو نورانی خویش گرفت.

هنوز دو سه قرن نگذشته بود که آفتاب اسلام سراسر جهان را روشن ساخت و پرچم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ از کران تا کران جهان به اهتزاز درآمد.

اسلام تا کشورهای دوردست به پیش رفت و ملت‌های مختلف با نژادهای گوناگون به اسلام گرویدند و شرق و غرب جهان را دانش و بینش اسلامی فرا گرفت.

آری، این طور است، ولی افسوس که این روز روشن و آفتابی مثل اینکه بار دیگر دارد به غروب می‌گراید و می‌خواهد به شب برسد. شبی همراه با سکوتی خواب‌آور و مرگ‌زای، شبی همراه با همان تاریکی‌های نابخردی و تباهی که در شب تار جاهلیت گریبان گیر انسانیت بود. همان که می‌توان "جاهلیت قرن بیستم" نامیدش و قرآن

کریم هم به آن اشاره فرموده است (سوره جمعه آیه ۳).
شبی که از آغاز بامدادان اسلام، پیشوایان دین ما از
آن خبر داده‌اند. روزگاری که دوباره بشر خود را از آفتاب
جهان تاب اسلام بی‌نیاز بیندارد و خورشید بلند پرواز اسلام
نیز از انسان‌ها رخ برتابد.

ولی امید بشریت به اینست که در سحرگاه همین شب
تاریک، در همان اثنایی که ظلم و ستم و تباهی و نابکاری
سراسر جهان را فراگرفته بیکباره خورشید نوربخش و
زندگی‌آفرین اسلام مجدداً از سرزمین مکه سر برمی‌آورد،
اما این بار به جای چهره نورانی پیامبر اسلام (ص) دیدگان
بشریت به جمال دلارای دوازدهمین پیشوای مسلمانان
و شیعیان جهان یازدهمین فرزند علی بن ابیطالب
علیه السلام، همان پیامبر اسلام، یعنی حضرت مهدی
موعود، قطب عالم امکان، امام زمان عجل الله تعالی فرجه
روشن می‌گردد.

خورشید تابناک اسلام بار دیگر طلوع می‌کند و
این بار، دیگر اثری از تاریکی جاهلیت و شرک بر جای
نمی‌گذارد. یکسره پرده‌ها و عایق‌های گناه و معصیت را
کنار می‌زند، یکباره حکومت‌های ظلم و ستم را برمی‌اندازد،
برای همیشه پرچم عدل و داد را باهتزاز در می‌آورد، و
بشریت در پرتو عنایات حضرتش زندگی کامجویانه‌ای را از
نو آغاز می‌نماید.

این همان روز پیروزی اسلام دین برگزیده خداوند
است که قرآن کریم در آیات شریفش نوید فرارسیدنش را

داده و قبل از فرارسیدن قیامت و پایان پذیرفتن روزگاران دنیا حتماً فراخواهد رسید و چنان که پیامبر اسلام (ص) فرموده اند اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد همان یک روز روز ظهور قائم آل محمد (ص) موعود جهان بشریت، امام زمان ارواح العالمین له الفداء خواهد بود.

خاندان پیامبر اسلام

حضرت امیرالمؤمنین پس از درود فرستادن بر پیامبر گرامی اسلام بر خاندان و اهل بیت پاک او درود می فرستد. نیکان و برگزیدگانی که از جانب خداوند به پاسداری دین منصوب شده و هریک در دوران خود بنحوی از دین خدای نگهبانی نموده و نگذاشته اند ابرهای سیاه مفسد اجتماعی و مکتب های ضد اسلامی چهره آفتاب عالم آرای اسلام را فراگیرند.

سرنگونی کابینۀ شیطان

آن هنگام که آفتاب جهان افروز اسلام در خطر ناپدید شدن زیر ابرهای تیره و سیاه اقدامات ضد اسلامی خلفای جور و بنی امیه و بنی عباس بوده است، دست های با کفایت فرزندان پیامبر اسلام و امامان اهل بیت همراه با اخلاص شگفت و عظیمی که داشته اند از آستین بیرون آمده و هریک به گونه ای آن ابرها را به کناری زده، و از لابلای آن همه تیرگی ها چهره نورانی اسلام را به جهانیان نمایانده اند.

آری. اگر این پاسداران دین نبودند، آن ابرهای سیاه، همان روزهای نخستین، آثار اسلام را بکلی محو کرده

بودند، بطوری که بشر بیکباره درمی یافت که دوباره شب تیره و تاریک جاهلیت بازگشته است.

بار دیگر، مردم به همان بت پرستی ها و برادرکشی ها و خونریزی های دوران جاهلیت باز می گشتند و در کشمکش های قبیله ای می سوختند و می ساختند و خون یکدیگر را بی پروا می مکیدند و جگر گوشگان خود را زنده به گور می کردند و به آبرو و ناموس یکدیگر بی رحمانه می تاختند و از هیچ درندگی و خونخواری فروگذار نمی کردند.

بار دیگر، معنویت و انسانیت از جهان رخت بر می بست و خشم و شهوت و قتل و غارت جانشین فضائل اخلاقی و انسانی می گشت،

بار دیگر، زور جانشین منطق می گردید و فرآورده های گرانقدر اسلام یک به یک به دست قراموشی سپرده می شد و راه نابودی و زوال پیش می گرفت.

با جرأت می توان گفت که اگر فداکاری های امامان و فرزندان و خاندان پیغمبر نبود، نه تنها امروز نامی از اسلام نبود بلکه اثری از انسان و انسانیت نیز به چشم نمی خورد. بنابراین، وظیفه هر انسان مسلمانی است که هر روز صبح، به یاد آن همه زحمات و فداکاری های این بزرگ مردان و زنان آسمانی که رفاه و آرامش و دین و اخلاق اسلامی و فرآورده های دین مبین اسلام را برای انسان ها به ارمغان آورده اند، بر روان پاکشان درود فرستد و بنا به منطق دعای امیرمؤمنان (ع) از خداوند بخواهد که بر ارواح با

عظمت این رهنمایان آسمانی درود و رحمت فراوان نثار
فرماید.



وَ افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ،
 بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ الْفَلَاحِ،
 وَ الْبَسْنِي اللَّهُمَّ
 مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ،
 وَ اغْرِسِ اللَّهُمَّ لِعِظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي
 يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ،
 وَ اجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ اِمَاقِي زَفَرَاتِ
 الدُّمُوعِ،
 وَ اَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنْ بَازْمَةِ الْقُنُوعِ.

ترجمه

و درهای بسته صبحگاهان را، خداوندا، با
 کلیدهای رحمت و رستگاری رویاروی ما برگشای.
 و بهترین لباس‌های زیبای هدایت و شایستگی
 را، خداواندا، بر اندام من بیارای،
 و با نیروی عظمتت، خداواندا، چشمه‌های
 خشوع را در چشمه‌سار دل من بجوش آر،
 و در برابر هیبتت، خداواندا، اشک‌های سوزان از
 گوشه دیدگان من سرازیر فرمای،
 و دیو سرکش کج خلقی‌های مرا، خداواندا، با
 زنجیر قناعت و بردباری مهار گردان.

ما معمولاً روز را چنین شروع می کنیم

از خواب برمی خیزیم، دست و صورت خود را می شوئیم، وضو می گیریم و پس از انجام فرائض مذهبی و غیره خود را آماده بیرون شدن از منزل می نماییم. لباس های برازنده خود را می پوشیم و سر و صورت خود را پاکیزه می نماییم و پس از دقت در اینکه تا آنجا که ممکنست نقصی در لباس و سرووضع ما نباشد درب خانه را باز می کنیم و از خانه خارج می شویم و دنبال کارهای روزانه خویش و برنامه هایی که انتظار ما را می کشند می روئیم.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) بهنگام بامداد از خداوند چنین مسئلت می نماید و می فرماید:

خداوندا، هم چنان که صبحگاهان درب خانه من باز می شود درهای بامداد امروز مرا هم تو با کلیدهای رحمت و رستگاری در برابر من بگشای، تا در پی باز شدن درب خانه ام، درهای رحمت بی منتهای تو و کامیابی های همه جانبه نیز بر روی من گشوده گردد.

و هم چنان که صبحگاهان لباس هایم را به تن می آرایم و از خانه بیرون می شوم، تو هم در این بامداد امروز، بهترین لباس های هدایت و شایستگی را بر اندام من بیاری.

و در جویبار دل من چشمه های فروتنی و خشوع را به جوشش درآور و در برابر هیبت خودت چشمه های اشگ را از گوشه چشمان من بر صفحه گونه هایم روان ساز و سبک مغزی و تندخویی و بداخلاقی مرا با قناعت و

شکیبایی مهار فرمای .

لباس اخلاق نیک و شایستگی رفتار و کردار است که آبروی اجتماعی مرا روز بروز در میان مردمان بیشتر می‌گرداند، و کیمیای فروتنی و تواضع است که می‌تواند مرا محبوب خاص و ارزش واقعی مرا در اجتماع نگهدارد و اکسیر قناعت و مناعت طبع است که مرا از یکسوی به زندگی راحت و نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای دلخوش می‌سازد و از سوی دیگر از چشمداشت به دست این و آن و دارایی‌های مردمان و بالاخره از همه نگرانی‌ها و نارضایتی‌ها و در نتیجه از اخلاق بد و تندخویی‌ها بدور می‌دارد و مرا به خلعت اخلاق نیک می‌آراید.

آری، خوشبخت واقعی و کامیاب حقیقی کسی است که در هنگام بامدادان همراه با آراستن جامه‌های زیبا و پاکیزه بر تن خویش جامه‌های نفیس معنوی رانیز در بر روح و جان خود کند و دل و قلبش را سرشار از فروتنی و تواضع و خشوع نماید، و به یاد عظمت خداوند، احساساتش به جوش و خروش بیفتد، و در بوتهٔ بیم و امید ذوب گردد، و اشک چشمانش بر گونه‌هایش سرازیر گردد، و بجای تندخویی و بداخلاقی در نخستین ساعات روز براساس نگرانی از محرومیت‌های گذشته یا ترس از شکست‌های احتمالی آینده، با قناعت و شکیبایی و بردباری خوی گیرد و در سایهٔ توانگری قناعت و صبر و تسلط بر نفس و امید فراوان به آیندهٔ زندگی از اخلاق خوشی که در خور یک انسان واقعی است بهره‌مند و برخوردار گردد.

إِلَهِی،

إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِی الرَّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِیْقِ،

فَمَنْ السَّالِكُ بى إِلَیْكَ فِی وَاضِحِ الطَّرِیقِ؟

وَإِنْ أَسْلَمْتَنِی أَنَا تُكَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَ الْمُنَى،

فَمَنْ الْمُقِیلُ عَثْرَاتِی مِنْ كَبَوةِ الْهَوَى؟

وَ إِنْ خَدَلْنِی نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ

وَالشَّیْطَانِ،

فَقَدْ وَكَلْنِی خِذْلَانُكَ إلی حَيْثُ النَّصَبِ

وَالْحَرَمَانِ.

ترجمه

خدای من،

اگر همواره پیش از آنکه من در صدد برآیم رحمت تو و
توفیق خیر تو به سراغ من نیاید، کیست که بتواند مرا در
راه روشن هدایت، بسوی تورهنمون گردد؟

و اگر لوای لطف و مرحمت مرا بزیر سایه‌اش نپذیرد
و به دست فرمانده سپاه امیدهای بیهوده و آرزوهای پوچ
بازسپارد، کیست که بتواند مرا از لغزش‌های فراز و نشیب
پرتگاه‌های هوا و هوس باز دارد؟

و اگر یاری و کمک تو در میدان مبارزه با هوای نفس
و شیطان به فریاد من نرسد، بی‌شک این محرومیت
از عنایت تو مرا تا سر حد رنج‌ها و حرمان‌های دردناک
همیشگی خواهد کشانید!

رمز خوشبختی و بدبختی

خوشبختی و بدبختی انسان در هر روز از روزهای زندگی به سه جهت بستگی دارد:

۱- از آغاز بامداد در راه‌های انحرافی که معلوم نیست به کجا منتهی می‌شوند پای گذارد یا در راه مستقیمی که سرانجامش آشکار است.

۲- پیشوا و رهنمایش هوا و هوس باشد یا ایمان و معنویت.

۳- پشتیبان و تشویق کننده‌اش شیطان باشد یا خداوند.

اگر انسان از نخستین دقایق صبحگاهان هر روز در راه مستقیمی که خداوند به او نشان داده است قدم نهد و تنها رهبرش ایمان و معنویت باشد و پشتیبانش خداوند بزرگ، بی‌شک به خوشبختی همه‌جانبه دنیا و آخرت دست یافته است. اما، اگر در جاده‌های انحرافی که پایان و سرانجام آنها معلوم نیست پای گذارد، و از هوا و هوس پیروی کند، و پشتیبان و مشوقش شیطان باشد، بی‌شک در پرتگاه ژرف بدبختی و تباهی سرازیر گشته و برای همیشه سقوط نموده است.

إلهی،

اَتَرَانِی مَا اَتَیْتُكَ اِلَّا مِنْ حَیْثُ الْاُمَالِ؟
اَمْرٌ عَلِقْتُ بِاَطْرَافِ حَبَالِكَ اِلَّا حَیْنَ بَاعَدْتَنِی
ذُنُوبِی عَنْ دَارِ الْوِصَالِ؟
فَبِئْسَ الْمَطِیَّةُ الَّتِی اَمْتَطْتُ نَفْسِی مِنْ هَوَاهَا!
فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا طُنُونُهَا وَ مَنَاهَا!
وَ تَبَّأَ لَهَا لِحُجْرَاتِهَا عَلٰی سَیِّدِهَا وَ مَوْلَاهَا!

ترجمه

خدای من،

می‌نگری که چگونه هنگامی که در محاصره آرزوها و
خواهش‌های دل قرار گرفته‌ام بدرگاه تو روی آورده‌ام ؟
و درست در هنگامی که گناهان من مرا از سر منزل
وصال تو بدور افکنده‌اند به رشته‌های دامن لطف تو
آویخته‌ام؟

آه، چه بد مرکبی است هوای نفس، که جان من بر آن
سوار گشته است.

وای بر نفس بیچاره من از دست‌اندازی امیدهای پوچ
و آرزوهای بیجا که این چنین او را به اشتباه درانداخته و
بدی‌ها را در نظرش آراسته‌اند!

و ... وای بر روزگار نفس تبه‌کار من از این جرأت‌ها و
بی‌باکی‌ها که در برابر صاحب اختیار و مولایش که تو
هستی، ای خدای من، روا می‌دارد!

مولای متقیان (ع) در این بخش از دعای صباح چنین می‌فرماید:
"خداوندا:

اگر لطف و توفیق تو در گیرودار زندگی رفیق من نگردد
جز تو کیست که مرا به راه راست متوجّه سازد؟
و اگر به جای اینکه خودت با حلم و بردباری پروردگاریت
مرا رهبری فرمایی مهار نفس مرا بدست آرزوها و هوس‌های
بی‌بنیادم دهی، غیر از تو کیست که بتواند مرا از لغزش‌ها و
زمین خوردن‌هایی که پیوسته در پیروی از آرزوهای بیجا و
هوس‌های بی‌مفهوم و بی‌معنا وجود دارد باز دارد؟

و اگر مرا یاری نفرمایی و در گرفتاری‌های مادی و
معنوی زندگانی به فریاد من نرسی قطعاً این محرومیت از
لطف و توجّه خاصّ تو مرا در گرداب بدبختی و بیچارگی
غوطه‌ور خواهد ساخت" مکمل سوره نازعین ترجمه ابن عربین

بنابراین، انسان نیکبخت کسی است که از آغاز
بامدادان در راه مستقیمی که پیامبران الهی به انسان‌ها
نشان داده‌اند قدم گذارد و پیوسته خداوند را رهبر و رهنمای
خود بگیرد و همواره به لطف و مرحمت خداوندگار جهان
امیدوار باشد. با توفیق خداوندی به هر کار نیکی اقدام کند
و در سایه لطف پروردگاری، از همه بدی‌ها و نادرستی‌ها
کناره گیرد.

مکتب تربیتی دعا و نیایش

در جای خود بحثی مفصل دارد که دعا‌های مأثور از ائمه طاهرین و پیشوایان دین بخش مهمی از مکتب تربیتی آنان و نوعی تفسیر قرآن به زبان مناجات، و نیایش به درگاه خداوند جهان بر پایه احساسات روانی و فطری و حالات مختلف روحی انسان‌هاست.

بنابراین، باید به این موضوع توجه داشته باشیم که پیشوایان دین، هنگامی که می‌بینیم در دعاها خود را گناهکار می‌نامند و احياناً کجروی‌هایی را به خویش نسبت می‌دهند، درحقیقت حالات مختلف روانی انسان‌ها را ترسیم می‌نمایند و آنچه می‌گویند از زبان خود نمی‌گویند، بلکه چون هدفشان پایه‌گذاری یک مکتب تربیتی است، برای گرفتن نتیجه بیشتر از کلمات و عبارات دعاها خود را به جای یکایک افراد بشر می‌گذارند و بظاهر از زبان خود و در واقع از زبان افرادی که این موقعیت‌ها را دارند با خدای خود سخن می‌گویند، وگرنه خودشان معصوم و دور از آسیب هر گناه و حتی محفوظ از گزند کوچکترین و ناچیزترین اشتباه می‌باشند و گناهان و نافرمانی‌هایی که در دعاها و مناجات‌ها به آنها اشاره می‌کنند و به درگاه خداوند تضرع و لابه می‌نمایند هیچگاه در زندگی ایشان راه نداشته است.

چه وقت به سوی خدا می‌رویم؟

حضرت علی (ع) در این قسمت از دعا می‌فرماید:

"خدایا !

می‌بینی که جز از راه آرزوها بسراغ تو نیامده‌ام! و مگر در هنگامی که گناهان من، مرا از منزلگاه وصال تو دور ساخته اند به دستاویزهای فضل و کرمت نیاویخته‌ام؟
و بر این پایه از نفس سرکش به گلایه و شکایت می‌پردازد و می‌گوید:

خداوند! چه مرکب بدی است دیو سرکش هوا و هوس
که نفس من بر آن سوار شده است!

وای بر نفس من از آنچه خیالات گوناگون من و
هوس‌های بی‌مفهوم و پوچ من برایش آراسته و جلوه
داده‌اند!

وای بر حال نفس من از این جرأتی که در برابر تو ای
خدای من که سید و مولایش هستی از خود نشان می‌دهد!
عظمت و هیبت خداوندی تو را به حساب نمی‌آورد و
در حال خوشی و آسایش هیچگاه به یاد تو نمی‌افتد، اما
وقتی که در محاصرهٔ بدبختی‌ها و بیچارگی‌ها قرار می‌گیرد
و بن‌بست‌هایی که در نتیجهٔ گناه بر سر راه رستگاری
و کامیابی او به وجود می‌آیند او را درمانده و بیچاره
می‌سازند، آنوقت بسوی تو می‌آید و با شتاب هرچه تمام‌تر
از تو گره‌گشایی می‌خواهد!"

آری، چه خوبست که انسان در هر حال و در هر
موقعیتی به یاد خداوند و آفریدگار و روزی دهنده‌اش باشد

و او را پیوسته حاضر و ناظر رفتار و کردار خود بداند و گرد نافرمانی او نگردد، تا در نتیجه از عواقب وخیم گناه و معصیت در امان بماند.

بهنگام برخورد با مشکلات و دشواری‌های زندگی نیز همانند زمان و آسایش و رفاه به درگاه خداوند روی آورد و با متانت و تواضع از ذات مقدس او طلب یاری نماید.

در هر حال، آرزوها و درخواست‌هایش را به پیشگاه خداوند توانا عرضه کند و همواره امیدش منحصرأً به لطف خداوند باشد و در هنگام برخورد با پیشامدهای ناگوار روزگار و مشکلات زندگی با نیروی ایمان به خداوند و امید به لطف بیکران او ایستادگی و مقاومت کند و برای برداشتن هر خار و خسی از سر راه کامیابی و رستگاری خویش از خدای مهربان کمک بخواهد.

آغاز و انجام زندگیش را به خدای یکتا واگذارد و کامیابی دنیا و آخرت را از لطف بی‌منتهای خداوند خواستار گردد.

اِلهِی، قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِی،
 وَ هَرَبْتُ اِلَيْكَ لاجِئاً مِنْ فَرَطِ اَهْوائِی،
 وَ عَلَّقْتُ بِاطْرَافِ حَبَالِكَ اَنَامِلَ وَلَائِی،
 فَاصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمَّا كُنْتُ اَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلٰی وَ خَطَاِی،
 وَ اَقْلِنِی مِنْ صَرْعَةِ رِدَاِی،
 فَاِنَّكَ سَيِّدِی وَ مَوْلَاِی وَ مُعْتَمَدِی وَ رَجَائِی،
 وَ اَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوْبِی وَ مُنَاِی،
 فِی مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَاِی.

ترجمه

خدای من، اکنون آمده‌ام حلقه در خانه رحمت تو را با
 دست امید می‌کوبم،
 و از گیر و دار خواهش‌های نفسانی گریخته‌ام و به تو
 پناهنده شده‌ام،
 و سرانگشت‌های محبت و ارادتم را از هر سوی به سر
 رشته‌های دامن لطف تو آویخته‌ام،
 تو هم ای خدای من از لغزش‌ها و اشتباهاتی که من در
 گذشته داشته‌ام چشم‌پوشی فرمای،
 و از اینکه جامه‌های آلوده گناهان که در بردارم به پای
 من در پیچند و مرا بر زمین زنند نگاهم دار؛
 که تویی صاحب اختیار و مولا و مورد اعتماد و کانون
 امید من، و تویی نهایت مطلوب و مقصود و دلخواه من،
 چه در این سرای و چه در آن سرای.

خدایا!

در این هنگام بامدادان به در خانه رحمت تو آمده‌ام و با دست امید، حلقه آن را می‌کوبم از فرط هوا و هوس به ستوه آمده‌ام و از گناهان خویش فرار کرده‌ام و بسوی تو پناهنده شده‌ام و با سرانگشت‌های دوستی و ارادتم از هر طرف به رشته‌های رحمت تو درآویخته‌ام.

تو هم از گناهان و لغزش‌های من درگذر و از حالت بیماریم بدرآور، که تویی سید و مولا و تکیه‌گاه و امید من و نهایت خواسته و آرزوی من در دنیا و آخرت.

چه خوشبخت و کامیابند کسانی که با حالتی این چنین سرشار از تواضع و خشوع، صبحگاهان به در خانه خداوند می‌روند و تمام خواسته‌های خود را از او می‌خواهند و با قلبی لبریز از امید به موفقیت‌های پی در پی کار روزانه خود را شروع می‌نمایند.

آری، کدام خانه و درگاه از دربار شاهانه خداوند جهانیان برتر و بهتر؟ پناهگاه بی‌پناهان، امید ناامیدان، چاره‌بیچارگان، دادرس مستمندان، آفریدگار آفریدگان.

زهی خوشبختی و کامیابی افرادی که جز به در خانه او نروند و جز از او خواهشی نکنند و غیر از او کسی را در زندگی خویش مؤثر واقعی ندانند. همه موجودات جهان آفرینش را در اختیار قدرت او دانند و همه جا و همه وقت او را در نظر داشته باشند و خواهش و درخواست خود را از غیر او مسئلت ننمایند.

إلهی،

كَيْفَ تَظْرُدُ مَسْكِينًا اَلْتَجَا إِلَيْكَ مِنَ الدُّنُوبِ

هَارِبًا؟

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا

أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَلَمَانٍ وَرَدَ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا؟

كَلَّا، وَ حِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ،

وَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ،

وَ أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ، وَ نِهَايَةُ الْمَأْمُولِ.

ترجمه

چگونه ممکنست بیچاره درمانده‌ای را که از شرّ گناهان خویش گریخته و به درگاه تو پناه آورده است از در خانه رحمت برانی؟

و چگونه ممکنست راه گم کرده‌ای را که دوان دوان به دربار لطف و مرحمت تو روی آور شده است ناامید گردانی؟ و چگونه ممکنست تشنه‌کام بی‌تابی را که برای نوشیدن جرعه‌ای آب، با شتاب، خود را بر سر جویبار رحمت تو رسانیده است تشنه بازگردانی؟

نه! هرگز!

جویبارهای لطف و کرم تو در هنگامه دشوارترین قحطی‌ها و خشکسالی‌ها جوشان و سرشار است.
و درگاه رحمت تو برای درخواست‌ها و آمد و شد بندگان همواره گشاده است،

و تویی نهایت همه درخواست‌ها، و مقصود اصلی همه آرزوها و امیدها.

بسوی خدا

مولای متقیان علیه السلام، پس از آنکه سوز و گداز
گنهکاری را که در لحظات نخستین صبحگاهان به سوی
خداوند پناهنده شده و با او راز و نیاز می‌نماید مجسم
فرمودند، برای دمیدن روح امید در دل نومیدان، با پروردگار
جهانیان این طور مناجات می‌نمایند:

"خداوندا،

چگونه ممکنست درمانده بیچاره‌ای را که از گناهان
خود فرار کرده و به درگاه عفو و مغفرت تو پناهنده شده
است از در خانه‌ات برانی؟

یا چگونه ممکنست کسی را که راه زندگی خویش را گم
کرده و شتابان بسوی تو آمده است تا راهنمایی فرمایی
نامید سازی؟

یا چگونه ممکنست تشنه‌کامی را که به جویبارهای
سرشار رحمت تو روی آورده است تا سیراب گردد تشنه و
بی‌تاب بازگردانی؟

نه! هرگز این طور نیست!

جویبارهای فضل و کرم تو در سخت‌ترین خشکسالی‌ها
پرآب است،

و درگاه رحمت تو پیوسته برای خواهشگری و آمد و شد
بندگان باز است،

و تو نهایت همه خواسته‌ها و آرزوهای ما آدمیان
هستی."

آری، اگر انسان چند صباحی هم به بلای بی خبری از خداوند در نتیجه گناهان پی در پی مبتلا گردید و دریافت که به پرتگاه بدبختی و تباهی نزدیک شده است، نباید از لطف و رحمت خداوند بکلی ناامید گردد و همچنان بسوی پرتگاه پیش برود تا برای همیشه سقوط نماید و هلاک گردد، بلکه باید هرچه زودتر مسیر خود را عوض کند و بسوی شاهراهی که به رضای خداوند و سعادت ابدی منتهی می شود بازگردد، و اطمینان داشته باشد که اگر چنین کند دیگر برای ابد از بدبختی نجات یافته و خوشبختی ها و موفقیت های پی در پی در انتظار او است. آری، خداوند خود فرموده است: "ای بندگان من که در نافرمانی من زیاده روی کرده اید، از رحمت من ناامید نگردید؛ خداوند غفور و رحیم گناهان شما را هرچه و هرچند که باشد می آمرزد." (قرآن کریم، سوره زمر: ۵۳).

محرومیت های گذشته، عقب افتادگی های مادی و معنوی در دوران های سپری شده از زندگی، هیچگاه نباید انسان را از بازگشت به راه صحیح و روش درست زندگی و قدم نهادن در مسیر ترقی و تعالی ناامید سازد، و در پنجه سهمگین کابوس یأس و نومیدی گرفتار نماید. بلکه باید همیشه در نظر داشته باشد که:

در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سفید است

إلهي،

هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِيَّتِكَ،
وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ،
وَ هَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتُهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ
وَ رَأْفَتِكَ، فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَى
بُضِيَاءِ الْهُدَى، وَ بِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا،
وَ مَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعَدَى، وَ وَقَايَهُ مِنْ
مُرْدِيَاتِ الْهَوَى، إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ.

ترجمه

خدای من،

هم اکنون، این زمام نفس من، که با زنجیر اراده و
مشیت تو آن را بسته‌ام،
و این بار سنگین گناهان من که در پیشگاه گذشت و
رحمت تو فروهشته‌ام، و این هوس‌های گمراه کننده من
که به آستان لطف و مهر تو در سپرده‌ام،
خداوندا، تو هم به لطف و کرمیت چنین مقرر فرما که
بامداد امروز من با نور هدایت و آسایش و سلامت دین و
دنای من بر من درآید،
و چنان اراده فرما که شامگاه امروز من سپری در برابر
نیرنگ دشمنان و نگهبانی در برابر هوس‌های هلاکت‌بار
من باشد،

تویی که بی‌شک بر هر چه اراده نمایی توانایی.

راه بازگشت

اکنون، باید دید راه بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه اصلی و شاهراه مستقیم هدایت چیست؟ آیا مثلاً با هزار مرتبه گفتن "استغفر الله" و اظهار پشیمانی از کرده‌های نادرست، کار درست می‌شود؟ یا با صدهزار مرتبه گفتن "العفو" گناهان انسان جبران می‌گردد؟

نه!، هرگز!

تا وقتی که انسان با تمام وجود از کارهای نادرستش پشیمان نگردد و تصمیم بر کردار نیک نگیرد و پیوسته مراقب خود نباشد که دیگر کردار بدش را تکرار نکند هیچگاه نمی‌توان گفت بازگشت کرده و نجات یافته و به خوشبختی ابدی نائل آمده است، وی همانند کسی است که در مسیری که به پرتگاهی هولناک منتهی می‌شود به راه خود ادامه می‌دهد و دائماً برای تلقین به خود یا برای شنیدن دیگران می‌گوید: "این راه که دارم می‌روم انحرافی است! نمی‌خواهم از این راه سیر کنم! باید از این راه باز کردم و به شاهراه مستقیم قدم بگذارم و گرنه سقوط خواهم کرد!" آیا چنین کسی تا هنگامی که قدم باز پس برندارد، و خود را به جاده مستقیم نرساند روی هدایت را خواهد دید و به مقصد خویش نزدیک خواهد شد؟

نه، هرگز!

باید خود را از هر جهت تغییر داد.

حضرت علی علیه السلام طریقه عملی خودسازی و به

راه راست آمدن را چنین تشریح می‌فرماید:
"خدایا،

اینک سر رشته دل و جانم را در بند مشیت و اراده تو
قرارداده‌ام،

و بارهای سنگین گناهانم را به کمک بخشش و رحمت
تو بر زمین نهاده‌ام،

و هوا و هوس‌های گمراه کننده‌ام را به آستان لطف و
مهربانی تو سپرده‌ام،

و نیز صبح و شام این روز خودم را به تو می‌سپارم و
نیکبختی امروز و دیگر روزهای زندگی و سلامت دین و
دنیا را از تو می‌خواهم.

خدایا،

بهمراه روشنایی بامداد امروز، روشنی هدایت را نیز
بسوی من بفرست،

و بهمراه نسیم روح افزای سحرگاهان نسیم آرامشبخش
سلامت دین و دنیا را بر درخت وجود من بوزان، و شامگاهان
که افق همانند سپری سیاه در برابر خورشید خودنمایی
می‌کند و خورشید در پشت کوهساران ناپدید می‌گردد، در
برابر شرور دشمنان من از لطف و کرمات سپری مستحکم
قرارداده و مرا از شرّ هوای نفس اماره‌ام نگاهدار.

که تو بر هر کار که اراده فرمایی توانایی."

آری. سر رشته همه کارها به دست خداست، و قلب‌های
همه افراد بشر در تسخیر ذات مقدّس اوست. اوست که
می‌تواند مهربانی دهد، دشمنی ایجاد کند، دشمنی را

به مهر و محبّت و مهر و محبّت و صمیمیت را به دشمنی
و خصومت تبدیل نماید، و بالاخره اوست که می‌تواند
هرکاری را که اراده‌اش بر آن تعلّق گیرد انجام دهد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ،
 وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،
 وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ،
 بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ،
 وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
 الْحَيِّ،
 وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

ترجمه

خدای من،
 کامیابی دنیا را تو بهر که خواهی می بخشی و از
 هر که خواهی باز می گیری،
 هر کس را خواهی عزت می بخشی و هر کس را
 خواهی خوار می سازی،
 همه نیکی ها بدست توست و توئی که بر همه چیز
 توانائی.

توئی که شب را در روز و روز را در شب فرو میبری،
 از مرده زنده می پردازی و از زنده مرده می سازی، و
 به هر کس بخواهی روزی بی حساب ارزانی می داری.

قرآن و دعا

چنان که قبلاً نیز اشاره شد، دعاهایی که از پیامبر اکرم و ائمه طاهرین رسیده است، نوعی تفسیر قرآن و به عبارت بهتر، مکتبی بس دیرپای در تفسیر قرآن است. جالبتر اینکه در دعاهایی که از پیشوایان دین رسیده است آیات قرآنی - باصطلاح ادبی - تضمین شده و قبل و بعد از آن تفسیرش آمده است. در این دعا نیز می بینیم یک بخش از دعای صباح را تقریباً متن دو آیه از سوره آل عمران آیات ۲۶ و ۲۷ تشکیل داده است.

توجه به مفهوم این آیات همیشه بخصوص در هنگام صبح و آغاز روز لازم است و برای اینکه انسان یک زندگی توأم با کامیابی ابدی داشته باشد برایش ضرورت دارد که همواره در نظر داشته باشد که:

خداوند است که ریاست و مُلک و سرفرازی و موقعیت‌های اجتماعی را به هرکس بخواهد می‌دهد و از هرکس بخواهد باز می‌گیرد. هرکس را بخواهد عزیز می‌نماید و هرکس را بخواهد خوار می‌گرداند. خیر و نیکی به دست اوست و اوست، که بر هرکاری تواناست.

اوست که شب را به روز و روز را به شب می‌آورد، اوست که زنده را می‌میراند و مرده را زنده می‌سازد. و به هرکس بخواهد بدون رنج و زحمت روزی بی حساب می‌دهد.

دو اعجاز علمی

این آیه دوم شامل دو نکته علمی بسیار جالب است که باختصار بآنها اشاره می‌شود:

۱- "تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل" قرآن می‌فرماید: خداوند روز را در شب فرو می‌برد و شب را در روز.

در هنگام نزول قرآن، یعنی چهارده قرن پیش، بشر معتقد بود که زمین سطحی صاف است و خورشید هنگام صبح از یک طرف افق آسمان که همانند گنبدی بر روی زمین گذارده شده است بالا می‌آید و شب هنگام بطرف دیگر آن فرو می‌رود، و حتی معتقد بود که خورشید هنگام طلوع از پشت کوه‌ها سر برمی‌آورد و هنگام غروب در باتلاقی در آنسوی زمین فرو می‌رود.

نه از کرویّت زمین خبر داشت و نه از گردش‌های گوناگون آن، به هیچ وجه خبر نداشت که زمین از دو نیم کره تشکیل شده است که هنگامی که این نیم کره روز است آن نیم کره دیگر شب است، تابش خورشید همیشه هست، گاهی به این طرف کره زمین و گاهی بآنطرفش.

قرآن در آن زمان فرمود: روز که شب می‌شود در حقیقت روز نابود نمی‌شود و شب پدیدار گردد، بلکه همین روز با همین خصوصیات و روشنایی و گرما و غیره به جایی که شب بوده است می‌رود (روز در شب فرو می‌رود) و شبی که فرامی‌رسد پیش از آن در جایی بوده است که با فرا رسیدن شب در اینجا روز می‌گردد، و بنابراین شب آمده و در روز

فرو رفته است.

۲- "تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي"
قرآن کریم نفرموده است: خداوند از مرده زنده می‌آفریند
و از زنده مرده می‌آفریند، بلکه فرموده است: خداوند از
مرده زنده و از زنده مرده بیرون می‌آورد.

این عبارت صراحت دارد در این که آنچه ما "مرده بودن"
حسابش می‌کنیم و آنچه "زنده بودن" بشمار می‌آوریم دو
حالت مختلف وجودند.

این تخم مرغی که الآن بیجان و مرده حسابش می‌کنیم
جانی ذخیره دارد که بعدها جوجه زنده از آن بیرون می‌آید،
و زمینی که در فصل زمستان مرده‌اش می‌نگریم در واقع
جان دارد که در فصل بهار و تابستان گیاه جاندار از آن سر
می‌زند.

آری. این هم اشاره به یک پدیده علمی است که امروزه
جزو بدیهیات علم بشر قرار گرفته است. بشر امروز باین
موضوع پی برده است که تمام موجودات جهان جانی در خور
خویش و در حدّ خود و زندگی‌یی متناسب با وجود خود دارند!

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ،

مَنْ ذَا يَعْرِفُ قُدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ؟

وَمَنْ ذَا يَعْرِفُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ؟

أَلْفَتَ بِقُدْرَتِكَ الْفِرَقَ،

وَفَلَقْتَ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ،

وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِيَ الْغَسَقِ،

وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمْرِ الصَّيَاحِيدِ عَذْباً

وَأُجَاجاً،

وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَاجاً،

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ

سِرَاجاً وَهَاجاً،

مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوباً

وَلَا عِلَاجاً.

ترجمه

معبودی جز تو نیست،
منزّهی تو ای خدای من، تو را از صمیم قلب
می‌ستایم.
کیست که تو را بشناسد و از تو نترسد؟
و کیست که بداند تو کیستی و از تو نهراسد؟
تویی که با نیروی خویش عناصر پراکندهٔ جهان
را بهم درمی‌آمیزی،
تویی که به لطف آفریدگاری خویش سپیده‌دم
را برمی‌شکافی،
تویی که به کرم و فضل خویش تاریکی‌های
شب تار را از چهرهٔ بامداد می‌زدایی و روشنایی را به
جای تاریکی برمی‌گماری،
تویی که از شکم سنگ‌های سخت کوهساران
آب‌های شیرین و شور روان می‌نمایی،
تویی که ابرهای آسمان را درهم می‌فشاری و از
آنها آب گوارا فرومی‌ریزی،
و تویی که خورشید و ماه را برای مردمان
چراغ‌هایی فروزان قرار داده‌ای،
بدون اینکه در آفرینش این آفریدگان که از
نیستی به هستشان آورده‌ای دچار کوچکترین
خستگی و فرسودگی گشته باشی.

بازگشت به دعا

خدایا! جز تو معبودی سزاوار پرستش نیست. تو منزّهی و سزاوار ستایش، ای خداوند جهانیان. کیست که تو را بشناسد و از قدرت تو نترسد؟ و کیست که بداند تو کیستی و از خشم تو نهراسد؟ تو همان خداوندی هستی که به نیروی خویش گسسته‌ها را پیوند می‌دهی. تو همان خداوندی هستی که به لطف صنعت خویش صبح را می‌شکافی، تو همان پروردگاری هستی که به کرم و قدرت خود تاریکی‌های شب را از بین می‌بری. تو همان کردگار توانایی هستی که از دل سنگ‌های سخت آب‌های شیرین و شور جاری می‌نمائی. تو همان ذات لایزالی که از لابلای ابرهای انبوه آسمان باران نازل می‌فرمایی. و تو همان قادر توانایی که خورشید و ماه را در روز و شب چون چراغ‌های تابناکی بر فراز جهان انسان‌ها قرار داده‌ای، بدون اینکه در سامان دادن باین همه عوالم بیکران آفرینش که تو خود بتنهایی به خلق آنها آغاز فرموده‌ای و آنها را از نیست به هست آورده‌ای دچار کوچکترین خستگی و مشقّتی گشته باشی.

چقدر خوشبخت‌اند کسانی که در هنگام صبح و آغاز روز به جای توجّه به این و آن و پناهنده شدن به اینجا و آنجا، به خدایی پناهنده می‌شوند که نشانه‌های قدرتش روز و شب در برابر چشمان افراد بشر و آثار عظمتش در همه جا هویدا است.

فِيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ،
وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ،
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ،
وَاسْمَعْ نِدَائِي،
وَاسْتَجِبْ دُعَائِي،
وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي.

ترجمه

ای خداوندی که در عزّت و ابدیت یگانه‌ای،
و سلطه و قدرت خود را بر بندگان بوسیله مرگ
و نابودی نشان می‌دهی،
بر پیامبر اسلام و پارسایان خاندانش درود
فرست،
و ندای مرا استماع فرمای و دعای مرا مستجاب
گردان، و به فضل خویش بر آرزوها و امیدهای من
جامه حقیقت بپوشان.

راز و نیاز

پس از توجّه به عظمت خداوند متعال و قدرت و احاطه پروردگاری او، حضرت علی علیه السلام با خدای خویش چنین مناجات و راز و نیاز می فرماید:

"خدایا،

ای خداوندی که در بزرگواری و پایداری یکتا و یگانه هستی،

و بندگان و آفریدگانت را جملگی محکوم به مرگ و نیستی نموده ای، عاجزانه از تو مسئلت می نمایم که:

بر حضرت محمد پیامبر اسلام (ص) و خاندان پرهیزکارش درود فرستی،

و ندای مرا که ترا می خوانم بشنوی و دعای مرا مستجاب گردانی، و بفضل و کرمت مرا به آرزوها و امیدهایم برسانی."

چقدر خوشبخت و کامروایند کسانی که اگر به آرزوها و امیدهایی هم دلخوش می شوند، این آرزوها و امیدها را در گروِ مشیّت و خواست پروردگار قرار می دهند و رسیدن به آرزوها را از وی خواستار می گردند. هنگامی که خداوند انسان را برای رسیدن به آرزویش یاری کند، بی شک به بهترین وجه به آرزوهایش خواهد رسید و به اهدافش نائل خواهد آمد، چه در این دنیا و چه در آخرت.

يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ،
 لِكُلِّ عُسْرٍ وَ يُسِّرِ بِكَ أَنْزَلْتَ حَاجَتِي،
 فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا،
 يَا كَرِيمُ، يَا كَرِيمُ، يَا كَرِيمُ،
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

ترجمه

ای شایسته‌ترین کس برای آنکه تو را برای از میان
 بردن بدبختی‌ها و دست یافتن به آرزوها باز خوانند،
 من چه در گیرودار گرفتاری‌ها و چه در هنگام
 موفقیت‌ها و کامیابی‌ها همواره نیاز خویش را بدرگاه تو
 می‌آوریم،

تو هم مرا از الطاف بی‌کران خویش محروم مگردان،

ای خداوند مهربان،

ای خداوند مهربان،

ای خداوند مهربان،

سوگند به رحمت بی‌پایانت، ای از همه بخشنندگان

بخشانیده‌تر،

و درود خداوند جهانیان بر بهترین آفریدگانش

محمد و یکایک افراد خاندان پاک وی باد.

آخرین عبارات دعا

در این عبارات آخر دعای صباح مولا علی علیه السلام
به درگاه خداوند بزرگ عرضه می‌دارد:

"ای بهترین کسی که مردمان از او رفع گرفتاری‌ها و
رسیدن به آرزوهای خویش را خواستار می‌شوند،
من چه زمانی که در کشاکش تنگدستی‌ها و
گرفتاری‌های زندگی قراردارم و چه اوقاتی که در آغوش
خوشی‌ها و کامیابی‌ها آرمیده‌ام، همواره نیاز خود را به
درگاه تو می‌آورم و راز دل با تو بازمی‌گویم، می‌گویم،
تو نیز مرا از بخشش‌ها و موهبت‌های ارزنده و گرانقدرت
بی‌بهره مگردان،
ای خدای کریم، ای خدای بخشاینده، ای خدای
بزرگ،

به رحمتت سوگند، ای مهربانترین مهربانان"

جمله آخر دعا هم این است:

"درود خداوند جهانیان بر بهترین آفریدگانش

حضرت محمد و یکایک افراد دودمان گرامی او باد"

اگر دقت کنیم می‌بینیم که نظیر این عبارات آخر دعا
را در آغاز و اواسط دعا هم داشتیم، می‌توان گفت این دعا
با درود بر پیغمبر و آل او شروع شده و در ضمن آن نیز به
درود فرستادن بر آن پیشوایان حق و حقیقت توجه شده و
در پایان نیز با درود بر آنان پایان یافته است.

نکته این درود و صلوات گذشته از نشان دادن اهمیت درود فرستادن بر محمد و آل محمد (ص) اینست که در آغاز هر روز از روزهای زندگانی انسان به عظمت پیشوایان واقعی بشریت و خوشبختان واقعی دنیا و آخرت توجه پیدا کند و به این موضوع توجه کند که خوشبختی فقط در سایه پیروی از آنان است و عمل بر طبق برنامه‌هایی که ایشان در زندگی روزمره و امور دنیا و آخرت داشته‌اند و متابعت از دستورالعمل‌هایی که برای دنیا و آخرت انسان‌ها مقرر فرموده‌اند.

محدث قمی (ره) پس از نقل دعای صباح می‌نویسد:

پس به سجده برود و بگوید:

اِلهى،
 قَلْبى مَحْجُوبٌ،
 وَ نَفْسى مَعْيُوبٌ،
 وَ عَقْلى مَغْلُوبٌ،
 وَ هَوَاى غَالِبٌ،
 وَ طَاعَتى قَلِيلٌ،
 وَ مَعْصِيَتى كَثِيرٌ،
 وَ لِسَانى مُقَرَّبٌ بِالذُّنُوبِ،
 فَكَيْفَ حِيلَتى يَا سَتَّارَ الْغُيُوبِ،
 وَيَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ،
 وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ،
 اغْفِرْ ذُنُوبى كُلَّهَا،
 بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
 يَا غَفَّارُ،
 يَا غَفَّارُ،
 يَا غَفَّارُ،
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه

خدای من،
جانم در محاصره گناهان گرفتار. و آئینه پاک
وجدانم به معصیت‌های گوناگون آلوده شده است،
عقلم بازیچه دست هوس، و هوای نفس من بر
من چیره شده است،
فرمانبرداری و عبادت من کم شده و نافرمانی و
معصیت من بسیار،
و این زبان خود من است که به گناهایی که
کرده‌ام عاجزانه اقرار می‌کند،
اکنون چاره کار من چیست ای پوشاننده
عیب‌های بزرگ،
ای داننده غیب‌های جهان،
و ای برطرف سازنده غم‌ها و اندوه‌ها،
به مقام محمد و خاندان پاک آن حضرت
سوگندت می‌دهم که:
تمام گناهان مرا بر من بیخشایی،
ای خداوند بخشنده، ای خدای بخشاینده، ای
آمرزنده مهربان،
برحمت بی‌منت‌هایت، ای رحم‌کننده‌ترین رحم
کنندگان.